

A review of pharmaceutical encyclopedias in Iran

S.Mohammad Sadegh Sajadi*

Abstract

Pharmacology and compiling large and small books in this field in Iran dates back to pre-Islamic times, especially Jundishapur, which was still active until about three centuries after Islam. Prior to Islam, and especially in the Islamic era, numerous monographs on simple and compound drugs were written by doctors and pharmacists of Jundishapuri and their students. This legacy, as described in books and articles on the history of medicine, soon became one of the most prominent areas of the scientific endeavor of famous physicians and pharmacists of the Islamic era such as Abu Mansour Heravi, Ibn Rabban Tabari, Mohammad Ibn Zakaria Razi, Abu Ali Sina, and Seyyed Ismail Jorjani. As the result, important works appeared in this branch of knowledge, which are the subject of this article.

Keywords: Pharmacopoeia encyclopedias, simple and compound drugs, Pharmacy and Pharmacology.

* Researcher, author, translator, editor-in-chief of the Dictionary of Children and Adolescents, sadegh.sajjadi@gmail.com

Date received: 2020.08.30 Date of acceptance: 2020.11.20

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article . This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons , PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

مروری بر دانشنامه‌های دارویی در ایران

سیدمحمدصادق سجادی*

چکیده

قدمت داروشناسی و تصنیف و تألیف کتاب‌های خرد و کلان در این زمینه در ایران، به پیش از اسلام، مخصوصاً به جندی‌شاپور می‌رسد که تا حدود سه قرن پس از اسلام نیز همچنان فعال بود. از پیش از اسلام و مخصوصاً در عصر اسلامی تک‌نگاری‌های متعدد درباره داروهای مفرد (عُقَّار) و مرکب (اقراباذین / اقراباذین) به قلم پزشکان و داروسازان جندی‌شاپوری و شاگردان آنها نوشته شد. این میراث به زودی، به شرحی که در کتاب‌ها و مقالات مربوط به تاریخ طب آمده است، به یکی از برجسته‌ترین عرصه‌های کوشش‌های علمی پزشکان و داروشناسان نامور عصر اسلامی چون ابومنصور هروی، ابن ربن طبری، محمدبن زکریای رازی، ابوعلی سینا، سید اسماعیل جرجانی و بسیاری دیگر تبدیل شد و آثاری بس مهم در این فن پدید آمد که نگاهی اجمالی به آنها موضوع این نوشتار است.

کلیدواژه‌ها: دانشنامه‌های داروشناسی، داروهای مفرد و مرکب، اقراباذین / اقرافاذین / قراباذین، عُقَّار، صیدنه، ابدال الادویه، داروسازی و داروشناسی.

* محقق، نویسنده، مترجم، سرپرستار فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان sadegh.sajjadi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۳۰

۱. مقدمه

داروشناسی و تصنیف و تألیف تکنگاری‌های جامع درباره انواع داروهای مفرد و مرکب، که می‌توان آنها را نوعی دانشنامه تخصصی تلقی کرد، در ایران سابقه‌ای کهن دارد. حتی با اندکی مسامحه می‌توان گفت که آن مجلدات یا ابواب و فصولی که در کتاب‌های بزرگ پزشکی، مانند سه جلد *الحاوی* از رازی، یا قسمتی از *القانون* پور سینا، یا *ذخیره خوارزمشاهی* سیداسماعیل جرجانی، به داروشناسی اختصاص یافته است، در چارچوب خود، تصنیف یا تألیفی دانشنامه‌ای به‌شمار می‌رود. این معنی در سطور زیر توضیح داده می‌شود. پیداست که اطلاق دانشنامه بر کتاب‌های خرد و کلان چنددانشی یا تخصصی، ناظر بر جامعیت آنها یعنی اشتغال بر مجملی از همه دانش‌های رایج به روزگاران کهن، یا جامعیتی در یکی از انواع دانش‌ها برحسب گستره آن، یا موقعیت‌های زمانی و مکانی در تصنیف و تألیف آن است.

یکی از مشکلات محققان در تبیین و تحلیل تاریخ تحول علوم پزشکی و داروشناسی کهن، اطلاق تعبیر نادرست «طب و داروسازی سنتی» بر این علوم و فنون، در ذهن عامه مردم و بلکه بسیاری از اهل فرهنگ است. دانش‌های پزشکی و داروشناسی و داروسازی که روزگاری در دنیای اسلام و ایران، با نامورانی چون بوعلی سینا و رازی و ابن‌ربن طبری و علی بن عباس اهوازی و ابن‌القف و زهراوی و دیگران، پایگاهی بی‌مانند در پهنه دانش بشری داشت، از میانه‌های قرن ششم هجری بر اثر ضعف علمی که به تدریج بر جامعه فرهنگی چیره می‌شد، غالباً به دست رمالان و دلاکان و سلمانی‌ها و دوره‌گردانی که مدعی طبابت و داروشناسی بودند، و نیز پیران خاندان‌ها و طوایف افتاد. آنچه از تعبیر طب و داروسازی سنتی در تداول امروز، غالباً متبادر به ذهن می‌شود، همین وجه اخیر یعنی طب و داروشناسی عوامانه است که بعضی از مردم‌شناسان، قسمت‌هایی از آن را ثبت کرده‌اند. بنابراین بررسی هرچند اجمالی برخی از آثار جامع یا دانشنامه‌های داروشناسی، لااقل این فایده را در بردارد که نشان می‌دهد برخلاف تصور رایج، این دانش مبتنی براساسی علمی در دو وجه نظری و تجربی آن بوده است و پزشکان و داروشناسان بلندپایه برای شناخت خواص هر یک از داروهای مفرد و مرکب، ساخت انواع قرص‌ها و شربت‌ها و ضمادها و پودرها و

مروری بر دانشنامه‌های دارویی در ایران (سیدمحمد صادق سجادی) / ۱۳۳

مانند آن، چه تحقیقاتی کرده‌اند و چه راه‌های دشوار و پرفراز و نشیب را هموار ساخته‌اند.

بر اساس نظریه اخلاط و طبایع در طب قدیم، داروها نیز بنا بر کیفیت خود- سردی و گرمی و تری و خشکی- تقسیم‌بندی می‌شده‌اند (طبری، ۱۹۲۸، ۴۰۰). در واقع نقش دارو در این نظریه، مدد رساندن به تن برای حفظ یا اعاده تعادل میان اخلاط و طبایع است؛ زیرا برخلاف طب امروز که فرض بر آن است که واکنش همه بیماران در برابر یک دارو، مشابه است؛ در طب قدیم واکنش بیماران در برابر یک دارو را برحسب مزاج بیمار و طبایع داروها متغیر می‌دانستند. چنان‌که برای مزاج‌هایی که گرم و خشک بود، داروها و غذاهای سرد و تر تجویز می‌کردند تا حرارت و یبوست صفراوی دارو تعدیل شود. در حالی‌که این‌گونه داروها و غذاها برای مزاج‌های سرد، یا بیماری که سردی بر او غلبه داشت، نتیجه معکوس داشت. داروها همچنین از نظر بساطت و ترکیب به داروهای مفرد،^[۱] (قنواتی، ۱۹۵۸م، ۱۲) و مرکب^[۲] تقسیم می‌شد. داروهای مرکب برای ایجاد تعادل میان خود داروهای مفرد، و تأثیر متناسب با بیماری ساخته و تجویز می‌شد (ابن‌سینا، ۱۹۹۳م، ۲۲۲). فی‌المثل اگر می‌بایست دارویی مفرد برای درمان بیماری مفید بود ولی با مزاج بیمار نمی‌ساخت یا مشکلی دیگر ایجاد می‌کرد، آن را با داروهای مفرد دیگر که کم‌ویش همان فواید را داشت و خالی از آن مضار بود، می‌آمیختند تا اولاً تعادلی پدید آورند، و ثانیاً بهبودی بیماری را تسریع کنند. یا اگر داروی مفردی متناسب با مزاج بیمار یا طبیعت بیماری یافت نمی‌شد، دو یا چند دارو را با هم می‌آمیختند تا داروی مناسب به دست آید (جرجانی، ۱۳۵۵، ۶۸۷). این کار خاصه زیر نظر پزشک که بر اثر تجربه از کنش و واکنش داروها و مزاج‌های مختلف مطلع بود، می‌بایست انجام شود. اما داروساز که او را صیدنانی یا صیدلانی می‌خواندند،^[۳] (ابوریحان بیرونی، ۱۹۷۳م، ۳) غالباً تنها از انواع و خواص داروهای مفرد اطلاع داشت و از واکنش مزاج‌های گوناگون در برابر دارو مطلع نبود. از این رو بهترین پزشکان کسانی بودند که خود داروشناس و داروساز به‌شمار می‌رفتند (رازی، ۱۳۷۸، ۴-۲).

از آنجا که داروها، نباتی، معدنی و یا حیوانی بوده است، ارتباطی مهم میان منابع گیاه‌شناسی و معدن‌شناسی و جانورشناسی با منابع دارویی می‌توان یافت. چنانکه به‌دلیل پیوستگی تام آن با پزشکی، جدا کردن دقیق منابع داروشناسی از منابع پزشکی دشوار

می‌نماید؛ زیرا بخشی از کتب پزشکی به داروهای مفرد و مرکب اختصاص می‌یافت. در واقع می‌توان گفت که بخش بزرگی از تحقیقات مسلمانان در گیاه‌شناسی و معدن‌شناسی و شیمی یا کیمیا در خدمت داروشناسی بوده است. از این رو برخی از آثار مهم پزشکی چون *فردوس الحکمة، الحاوی، قانون و ذخیره خوارزمشاهی* درباره گیاه‌شناسی و جانورشناسی هم سخن رانده‌اند (صدیقی، ۱۳۶۷، ۴۴۸؛ نصر، ۱۳۶۷، ۴۵۹).

۲. دانشنامه‌های دارویی

۱.۲ اقربادین

مهم‌ترین کتاب دارویی سده دوم هجری شمسی / سوم قمری، کتاب *اقربادین* یا *اقربادین*، (قربادین، یعنی داروهای مرکب) شاپورین سهل جندی شاپوری (وفات ۲۴۸ هـ / ۲۵۵ ق) است که در بیمارستان‌ها و داروسازی‌ها رواج تمام داشته (ابن ندیم، ۱۳۵۰، ۳۵۵) و در آن درباره انواع شربت‌ها و قرص‌ها و روغن‌ها و ضمادها و داروهای مختلف برای اعضای بدن سخن رانده است (زهیرالبابا، ۱۹۷۷ م).

۲،۲ الحشائش

همچنین ترجمه بخشی از کتاب مشهور *الحشائش* (مواد دارویی^[۴]) دیوسکوریدس^[۵] که تأثیر آن را در داروشناسی اواخر سده سوم هجری شمسی / نهم میلادی و پس از آن نمی‌توان نادیده گرفت، منسوب به اوست (ابن ندیم، ۱۳۵۰، ۳۵۱). در واقع تأثیر *الحشائش* فقط از جنبه داروشناسی نظری حائز اهمیت است. زیرا بسیاری از داروهای مندرج در این کتاب در سرزمین‌های شرقی خلافت به دست نمی‌آمده و داروشناسان نمی‌توانسته‌اند آنها را خود تهیه، آزمایش و تجویز کنند؛ از این رو آنها را با داروهای ایرانی و هندی جایگزین می‌کردند (زهیرالبابا، ۱۹۷۹ م، ۱۸۸، ۱۸۹). مبحث مهم ابدال الادویه و کتاب‌های متعدد و مهم به این نام، به همین سبب پدید آمد.

۳.۲ الحاوی

رازی سه جلد از *دائرةالمعارف عظیم پزشکی خود، الحاوی* را به داروشناسی و داروهای مفرد و مرکب اختصاص داده است. روش او چنین است که داروها را

براساس حروف تهجی در ابوابی مرتب کرده و پس از ذکر نام، به ایراد نظریات پزشکان و داروسازان متقدم ایرانی و یونانی و سریانی درباره آن دارو پرداخته و انواع تیره‌ها و خواص آن را بیان کرده است. وی گاه نام یونانی و سریانی داروها را نیز ذکر کرده است.^[۶] مهم‌ترین کار رازی در این باب، بررسی علمی گیاه داروشناسی است. وی در مقدمه یادآوری کرده که این فن جزء خاص طب نیست، بلکه در فهرست طب است و هر کس را که به انواع تیره‌ها و خواص و الوان داروها آگاه باشد، نمی‌توان طیب خواند (رازی، ۱۳۷۸، ۴-۲). رازی همچنین بر تازگی میوه و برگ و شاخه و ریشه و صمغ و عصاره گیاهان دارویی بسی تأکید ورزیده (همان، ۵)، خاستگاه بسیاری از داروها را بیان کرده و مقادیر و اوزان مختلفی را که برای سنجش و ترکیب داروها در سرزمین‌های گوناگون به کار رفته ذکر کرده است (همان، ۶۱-۷). او که از دشواری تطبیق نام داروهای ایرانی و هندی و سریانی و یونانی با یکدیگر آگاه بوده، جداولی ترتیب داده و اختلاف اسامی ادویه را در آن جداول متذکر گردیده است. مانند: قومس (سوسن سفید)؛ مها سوا (آزاد درخت)؛ لامحوس ططوس (ارنب دریایی)؛ و چگونگی کتابت این نام‌ها به عربی و اسقاط بعضی از حروف و هجاهای آن را در این زبان بیان کرده است (همانجا). او آثار دیگری مانند *القرباذین الکبیر*، *القرباذین الصغیر* (ابوریحان بیرونی، ۱۳۵۸، ۶)، *الادویة الموجودة بکل مکان* (قفطی، ۱۹۰۲م، ۲۷۵-۲۷۴)، *ابدال الادویة* (ابن ندیم، ۱۳۵۰، ۳۵۸) در داروشناسی داشته است.

۴.۲. الأبنیه عن حقایق الأدویه

از مهم‌ترین دانشنامه‌های داروشناسی، کتاب *الأبنیه عن حقایق الأدویه*، نوشته ابومنصور موفق‌الدین علی هروی است که خود پزشک بوده است و این کتاب را منحصرأً به داروشناسی اختصاص داده و درباره ۵۸۴ داروی اصلی سخن رانده است.^[۷] این اثر را که ظاهراً در میانه‌های قرن چهارم هجری شمسی / دهم میلادی تألیف شده است، باید نخستین کتاب داروشناسی فارسی دانست که به دست ما رسیده است (Meyerhaff, 1926). نام کتاب اصلاً *روضه الانس و معرفة النفس* است و عنوان *الأبنیه عن حقایق الأدویه* لقب آن است. هروی همچنین تصریح کرده است که در داروشناسی و طبابت

متماثل به طب شبه‌قاره هند است و خود مدتی در آن صفحات بوده است. او همچنین متذکر شده است که در این کتاب، همه داروهای شناخته‌شده را آورده است «به شرحی تمام. از بهر آنکه این کتاب شریف‌تر از آن است که مختصر باید کرد». او همه چیزهایی را که قوت و فعل دارد و بر بدن کارگر است، به چهار درجه و گروه اصلی تقسیم کرده است: درجه اول، آنچه غذا به‌شمار می‌رود؛ درجه دوم آنچه هم غذا و هم داروست؛ درجه سوم، آنچه فقط دارو محسوب می‌شود؛ درجه چهارم، زهرها. معلوم است که این درجه‌بندی، غیر از تقسیم غذاها و داروها برحسب مزاج‌های چهارگانه‌ای است که پیش‌تر به آن اشاره شد. مبنای آن درجه‌بندی اعتقاد پزشکان به اهمیت غذا در پیشگیری از بیماری و مداوای بیماری‌هاست. پزشکان و داروشناسان نامور قرون بعد هم غذا را بر دارو ترجیح داده‌اند. به‌رحال، هروی علاوه بر آن تقسیم‌بندی، یک درجه‌بندی دیگر هم کرده است و گفته است «هرچیزی که اندر تن مردم کار کند، بر چهار قسمت است: جنسی از وی اندرون و بیرون تن کار کند به منفعت، چون گندم که اندر شکم غذاست و چون بر بیرون نهی جراحی را بپزند؛ و جنسی دیگر اندر شکم صلاح کند و بیرون فساد، چون سیر که چون بخورند، حرارت غریزی را قوی کند، و چون بر بیرون طلا کنند (بر عضوی بمالند یا اندود کنند)، به‌جای زهرها کار کند؛ و جنسی آن است که چون بخورند زهرست، و چون بر بیرون طلا کنند، تریاک است، چون مراسنگ و زنگار؛ و جنسی آن است که از برون و از اندرون زهرست، چون هلhel و قرون سنبل... و من راه حکیمان هند پیش گرفته‌ام و حکیمان هند بر صواب‌اند، از آن جهت که دارو آنجا بیشتر است و عقاقیر (داروهای گیاهی) آنجا تیزتر و خوش‌تر، و همت آن مردم در حکمت بالغ‌تر...».

ترتیب کتاب *الابنیه الفبایی* برحسب اولین حرف هر مدخل است، ولی در خود حروف مدخل ترتیب الفبایی رعایت نشده است، چنانکه اجاص پس از ارز آمده است. الف ممدود یا «آ» نیز از الف متمایز نشده است.

هروی در توصیف داروها و غذاها مفرد نخست انواع و درجه هر یک را برحسب درجه‌بندی غذایی و دارویی یا هردو آورده است و آنگاه به مزاج یا طبیعت دارو (گرمی و سردی و تری و خشکی) و خواص آنها در درمان انواع بیماری‌ها و زخم‌ها و ناسورها پرداخته است. گاه خواص بعضی از ترکیباتی که با آمیختن آن داروی مفرد

مورد بحث با چیزهای دیگر پدید می‌آید هم اشاره کرده است؛ مثلاً دربارهٔ اسفناج گفته است که از خوردنی‌های درجه اول است (یعنی غذا محسوب می‌شود) و به اعتدال نزدیک است، آنگاه خواص دارویی آن را ذکر کرده است. یا دربارهٔ ترنج آورده است که مرکب از چهار طبیعت است و در درجهٔ دوم واقع است (غذا و دارو). آنگاه خواص آن و نیز خواص محصولات آن مانند رب و مربای ترنج را شرح داده است. کتاب‌الأنبیه چون در انواع داروهاست، منحصر به گیاهان دارویی نیست؛ زیرا اشاره شد که بخشی از داروها جانوری و معدنی‌اند. بنابراین در کتاب مورد بحث مدخل‌هایی هم به معدنیاتی چون یاقوت، کهربا، یشم، نفت، مس، نوشادر؛ یا داروهای جانوری چون گوشت، مغز، زهره، بزاق، جگر، بول؛ و موادی چون آب و شبنم اختصاص یافته است. آنچه در وصف مدخل‌هایی چون گوشت، آب و شیر در این کتاب آمده است، از بلندترین مقالات آن است (هروی، ۱۳۴۶، ۳).

۵.۲ قانون

ابن‌سینا بزرگ‌ترین مرجع پزشکی قرون وسطا نیز در همین روزگار کتاب *قانون* را به پایان برد. «کتاب دوم» قانون شامل دو «جمله» همه دربارهٔ داروهای مفرد؛ و «کتاب پنجم» نیز در دو جمله دربارهٔ داروهای مرکب است. وی بر آن است که مزاج داروها نسبت به یکدیگر سنجیده می‌شود. داروها همه از عناصر چهارگانه پدید می‌آیند. این عناصر درهم می‌آمیزند و در یکدیگر تأثیر می‌گذارند و بر حالتی از تعادل استقرار می‌یابند. مزاج حقیقی دارو، همین حالت تعادل آن است (ابن‌سینا، ۱۹۹۳م، ۲۲۲). اما مزاج و طبیعت داروهایی که از ترکیب مفردات با مزاج‌های گوناگون پدید می‌آید، «مزاج ثانوی» نامیده می‌شود. این مزاج ثانوی یا دارای پیوندی پایدار است، و یا پیوندی ناپایدار. این مزاج‌ها و قوا را می‌توان از طریق آزمایش تجربی و نیز قیاس بازشناخت (همان، ۲۲۳).

او داروها را از نظر تأثیر کلی آنها سه دسته کرده است: داروهایی با تأثیرات عمومی مانند داروهای سرد و گرم‌کننده و جاذب و دافع؛ داروهایی با تأثیرات جزئی خاص مانند داروهای یرقان؛ داروهایی با آثار خاص ولی شبیه به داروهای عمومی مانند داروهای مسهل و مدر که بر اندام‌های خاص تأثیر دارند ولی چون نفع و ضرر آنها عام

است و بر همه اندام‌ها تأثیر می‌گذارد، شبیه به دسته اول هستند (همان، ۲۳۱). آخرین بخش «کتاب دوم» شامل ذکر نام حدود ۶۰۰ دارو و خواص آنهاست که حدود ۵۰۰ داروی آن گیاهی است. وی در «جمله» اول کتاب پنجم درباره داروهای مرکب یا قراذین به نیازمندی به داروهای مرکب و کیفیت ترکیب آنها اشاره کرده است. به گفته او هرگاه برای درمان یک بیماری خاصیت یک داروی مفرد کافی نباشد، یا آن داروی مفرد برای اندامی دیگر مضر باشد، یا طبیعت آن دارو بیش از حد لزوم گرم و سرد و خشک و تر باشد، آن را با مفردات دیگر می‌آمیزند تا خاصیت مورد نظر تقویت شود. اثر سوء آن را در اندام‌های دیگر از میان ببرد و طبیعت دارو را تعادل بخشد (همان، ۳۰۹). ابن سینا سپس از دوازده‌گونه داروها مانند پادزهرها، مسهل‌ها، گردها، ضمادها، قرص‌ها، روغن‌ها، و شربت‌ها نام برده است (همان، ۴۰۷-۳۱۰). جمله دوم شامل بیماری‌های مختلف از سر تا قدم و داروهای متناسب با هر یک است. ابن سینا خود در داروسازی دستی قوی داشته و داروهای بسیاری را خود ساخته و آزمایش کرده، و نخستین وصف برخی از داروها از اوست، مانند تریاق کبیر برای داروهای معده و کبد شامل پوست انزج و جنطیایا و مُرّ و دانه بلسان و برگ و تخم بادرنجوبه و تخم افرنجمشک و زرنباء و درونج و مشک و عنبر و دارچین و زعفران و افسنتین که باید ۶ ماه تخمیر شود (همان، ۳۲۱). برخی از داروهای مرکب دیگر نام‌های ایرانی دارند مانند معجون «بزرگ دارو» که به گفته ابن سینا از داروهای مشهور و بزرگ ایرانی، و برای قولنج بسیار نافع است؛ و معجون «فیروزنوش» برای درمان باد قولنج و امراض سرد زنان آبستن (نفیسی، ۱۳۲۹، ۵۵). ابن سینا همچنین کتاب دیگری به نام *الادویة القلییة* در داروهای قلب داشته است (قفطی، ۱۹۰۲م، ۴۱۸).

۶.۲ صیدنه

کتاب *صیدنه*، اثر ابوریحان بیرونی هم یکی از برجسته‌ترین کتاب‌ها در داروهای مفرد است. با آنکه بیرونی خود پزشک نبود، اما فقط پزشکان را شایسته شناخت دقیق داروها (داروهای مرکب) و خواص آنها دانسته است. او در آغاز کتاب به تعریف صیدنه و عقار (داروهای مفرد) پرداخته و تذکر داده که خوردنی‌ها یا غذا هستند یا زهر، و میان این دو دارو واقع است که مفسد غذا و مصلح زهر است و هیچ‌کس جز پزشک حاذق

نمی‌تواند تأثیر و خواص دارو را تشخیص دهد. آنچه میان دارو و غذا مشترک است، غذای دارویی؛ و آنچه میان دارو و زهر مشترک است، داروی سمی نام دارد و اطباء بیشتر به تجویز غذای دارویی تمایل دارند تا داروهای سمی (ابوریحان بیرونی، ۱۹۷۳م، ۳-۷). او معتقد است که اگر طبیب به هنگام ترکیب داروها، یکی از مفردات را به دست نیاورد، باید آن را داروی مفرد دیگری که کم‌وبیش همان خاصیت را داشته باشد جایگزین کند. یا اگر این نیز دست ندهد از آن صرف‌نظر کند و با بقیه آنچه موجود است دارو را تهیه کند. تبدیل نیز دو گونه است: تبدیل در نوع یعنی تبدیل نوع خوب دارو که دسترسی به آن دشوار است با داروی متوسط؛ و تبدیل در جنس یعنی جایگزینی دارویی با داروی دیگری که با هم تفاوت ماهوی و جنسی دارند (همان، ۹-۱۰). ابوریحان به صراحت تذکر داده است که هر یک از داروها، بنا به چگونگی استفاده از آنها، خواصی از خود بروز می‌دهند که در اشکال دیگر استفاده، آن خواص را ندارند؛ مثلاً خاصیت دارویی که باید به شکل ضماد استفاده شود، با خاصیت همان دارو به صورت نوشیدنی - یا مثلاً آندود کردن عضو دردناک با آن دارو، متفاوت است، و اندک‌اند کسانی که به این معنی توجه کنند (همانجا). وی سپس به ذکر داروهای مختلف، براساس حروف تهجی، پرداخته و چون ذکر نام‌های مختلف دارو را سودمند می‌دانسته (همان، ۱۵). نام‌های یونانی و ایرانی و هندی و سریانی و عربی بسیاری را ذکر کرده است. مانند: اَبُهَل. یا شَقَرْدیون که یونانی است. محتملاً یکی از منابع ابوریحان، کتابی به نام *پیشاق شماهی* (ابن ابی اصیبعه، ۱۹۵۷م، ۳۱۸) بوده که وی در دست مسیحیان دیده و به «چهار نام» شهرت داشته است؛ زیرا نام هر دارو در آن به چهار زبان فارسی و سریانی و رومی و عربی ذکر شده بوده است (ابوریحان بیرونی، ۱۹۷۳م، ۱۴-۱۵). در ترجمه کهن فارسی این کتاب، نام ۸۱۹ دارو آمده و بخش خواص ادویه آن نیز شامل ۷۹۹ دارو است.

۷.۲ ذخیره خوارزمشاهی

۱.۷.۲ خوارزمشاهی

سیداسماعیل جرجانی (وفات ۵۱۶هـ/ش / ۵۳۱ق) بزرگ‌ترین پزشک سده پنجم هجری شمسی / ششم قمری نیز کتاب نهم از کتاب عظیم *ذخیره خوارزمشاهی*

(جرجانی، ۱۳۵۵، ۶۵۱-۷۴۵) را به انواع زهرها و پادزهرها و داروهای زیان‌آور گیاهی و حیوانی و معدنی؛ و کتاب دهم را به‌عنوان ضمیمه یا تکمله، به اقرباذین یعنی داروشناسی و انواع داروهای مفرد و مرکب اختصاص داده است (همان، ۶۲۶-۶۵۱).

این کتاب را به‌ویژه به سبب انبوهی از نام‌های ایرانی داروها باید گنجینه داروشناسی ایرانی خواند. او خود آورده است که «و این ترتیب که ما در این کتاب ذخیره و کتاب اقرباذین نهاده‌ایم، خواننده این کتاب داند که هیچ صاحب صنعت در این علم کتابی بدین ترتیب و بدین فایده ندیده باشد».

کتاب دهم مشتمل بر دو مقاله یا گفتار است. در گفتار اول که در سی‌وهشت باب تدوین شده است، پس از بحثی کلی، به داروهای یکایک بیماری‌های اعضا از سر به پایین پرداخته است و یک باب در اواخر این گفتار را به داروهای مخصوص بیماری‌های زنان، و یک باب را به داروهای مخصوص مردان اختصاص داده است. روش او چنین است که در آغاز هر باب، نخست نام داروهای مفرد مربوط به بیماری هر یک از اعضا یاد شده در آغاز باب را، که به تنهایی یا در ترکیباتی به‌صورت انواع قرص و معجون و ضماد و گرد و روغن و شیاف و غیره به‌کار می‌رود، می‌آورد و طبایع و کنش و خاصیت هر یک را وصف می‌کند و اندازه‌های مورد استفاده از آنها به صورت مفرد یا در ترکیبات مختلف را به‌دست می‌دهد؛ بنابراین داروها صرفاً براساس استفاده از آنها برحسب اعضاء مختلف دسته‌بندی شده است. گفتار دوم درباره داروهای مرکب و مشتمل بر سی و یک باب و سه فصل است. مقصود پزشکان از معالجه بیماری، نیاز به داروی مرکب، و ترتیب و آماده کردن آن داروها به شکل‌های مختلف، و آنگاه تفسیر نام داروهای مرکب و سپس ابدال‌الادویه یا داروهای قابل جایگزین در همین گفتار مورد بحث قرار گرفته است (همان، ۶۸۶). در سه فصل آخر کتاب پزشکان را به دو گروه اهل تجربه و اهل قیاس تقسیم کرده است و شیوه هر یک در آزمایش دارو یا اختیار آنها برای مداوا را توضیح داده است و درباره سازگاری یا ناسازگاری داروهای مفرد با بدن‌ها و بیماری‌ها، که یکی از اسباب توجه به داروهای ترکیبی است، بحث کرده است. نظر او درباره علت نیازمندی به داروهای مرکب تقریباً با نظر ابن‌سینا و ابوریحان مشابه است.

۸.۲ ما لایسمع الطیب جهله

در اواخر سده هفتم هجری شمسی / اواسط سده هشتم قمری باید از نصیرالدین یوسف بن اسماعیل جوینی معروف به ابن کُتبی و کتاب او به نام *ما لایسمع الطیب جهله* نام برد که نشان‌دهنده اثری است که کتاب معروف *جامع المفردات* ابن البیطار بر داروشناسی در ایران و غیر آن داشته است. به گفته نویسنده، این کتاب از جهتی شرح *جامع المفردات*، و از جهتی یک کتاب مستقل است؛ زیرا درباره تعداد زیادی داروهای ایرانی با نام‌های فارسی سخن رانده و کوشیده نام ایرانی داروهای سریانی و یونانی و عربی و هندی را نیز بیابد و ذکر کند (جوینی، نسخه خطی).^[۸] مزیت این کتاب بر *جامع المفردات*، توجه نویسنده به بررسی کیفیت و خواص داروها و کمیت قابل استفاده در ترکیبات مختلف دارو، اشاره به زیان داروها نسبت به بیماری یا عضوی دیگر، و مُصلح آن داروهاست.^[۹] جلد اول کتاب درباره داروهای مفرد و جلد دوم درباره داروهای مرکب است. ابن کُتبی بر آن است که عکس‌العمل بدن‌ها در برابر دارو نسبت به زمان و مکان مختلف است و در شناخت مزاج دارو، تجربه و قیاس هر دو لازم است.^[۱۰] از جمله داروهای ایرانی که در این کتاب به آنها و خواص آنها اشاره شده، می‌توان به آرند بَرند شبیه به پیاز؛^[۱۱] اشترغان که در طبرستان طاخک نام دارد،^[۱۲] خشکنجین،^[۱۳] بادامک و بارزد^[۱۴] اشاره کرد.

بسیاری از کتاب‌های دارویی این دوره، که به داروهای ترکیبی پرداخته‌اند، به «قرباذین» موسوم‌اند. مانند *قرباذین شغائی* از مظفر بن محمد حسینی شغائی (وفات ۹۳۵ هـ.ش / ۹۶۳ ق) که در آن عصر بسیار رواج داشته و مرجع آنژلوس^[۱۵] در تألیف کتاب «داروسازی ایرانی»^[۱۶] بوده که در ۱۰۵۹ هـ.ش / ۱۶۸۱ م در فرانسه چاپ شده است (Elgood, 1970). نسخ متعددی از کتاب *قرباذین شغائی* در دست هست. همچنین باید به کتاب *قرباذین جلالی* از جلال بن امین الطیب کازرونی، مشهور به *اضافه اختیارات*، به‌عنوان تکمله *اختیارات* بدیعی سابق‌الذکر اشاره کرد (میر، ۱۳۴۸، ۳۳-۳۲).

نکته مهم در طب و داروشناسی این عصر، کثرت تألیفات داروشناسی به زبان فارسی در شبه قاره هند است که بسیاری از آنها نام‌های داروها را به دو زبان فارسی و هندی ذکر کرده‌اند. از آن میان باید به *قرباذین محمد هاشم* معروف به سیدعلوی خان؛

قرباذین جلالی از جلال‌الدین امرودهی، الفاظ الادویه از نورالدین عبدالله شیرازی که طب داراشکوهی نیز از اوست؛ اختیارات قطب شاهی از میر مجدالدین محمد حسینی کاشانی در داروهای مفرد و مرکب؛ گنج بادآورد از امان‌الله بن مهابت خان؛ و قرباذین قادری از محمد اکبر ارزانی شاگرد سید عبدالقادر گیلانی؛ (نیرواسطی، ۱۳۵۳، ۵۱، ۵۹، ۱۱۷-۱۱۵) و مجموعه حکیم‌الملک از حکیم‌الملک گیلانی (شهمردان، ۱۳۴۵، ۶۸۹) نام برد. بسیاری از این کتاب‌ها در سده اخیر در شبه قاره هند، که طب و داروشناسی قدیم هنوز در آنجا رواج بسیار دارد، به چاپ رسیده است.

۹.۲ خلاصه التجارب

برجسته‌ترین پزشک این دوره، بهاء‌الدوله حسینی نوربخش در دانشنامه طب خود به نام خلاصه التجارب، قسمتی را به داروشناسی و انواع داروها اختصاص داده است. تعریف زهر و پادزهر، فرق میان زهر و ادویه زیان‌کار، نام و توصیف انواع زهرها (بهاء‌الدوله، نسخه خطی)^[۱۷] پادزهرهای گیاهی مانند جدوار یا ماه پروین، زراوند زربناد، مورد؛ پادزهرهای معدنی مانند گل ارمنی، نفت سیاه و سفید؛ و پادزهرهای حیوانی مانند شاخ کرگدن^[۱۸] از جمله فصول باب ۲۶ این کتاب است. باب ۲۷ از داروهای مرکبی که در کتب متقدمان نبوده یاد شده است. مانند حب‌الشفاء، حافظ‌الصحة و تریاق جدید و تریاق الطین جدید که از مخترعات خود بهاء‌الدوله بوده است؛ و مسهل‌ها و شربت‌ها مانند چهار شربت و سکنجبین و پالوده و شربت اطفال. باب ۲۸ به تعریف اصطلاحات دارویی مانند ضماد، گماد یا کمپرس، سعوط (داوری خشک یا ترکه با بینی بالا می‌کشیدند)، لعوق (داروی غلیظ و لزج لیسیدنی که به تدریج جذب می‌شود) پرداخته و از اوزان مختلف که در اندازه‌گیری داروها برای ترکیب آنها به‌کار می‌رود، یاد کرده است.^[۱۹]

۱۰.۲ تحفة المؤمنین

کتاب دانشنامه‌ای تحفة المؤمنین یا تحفة حکیم مؤمن اثر محمد زمان تنکابنی و پسرش محمد مؤمن بی‌شک مشهورترین کتاب دارویی این عصر بوده است. این کتاب در دو

مروری بر دانشنامه‌های دارویی در ایران (سیدمحمد صادق سجادی) / ۱۴۳

بخش تنظیم شده است. اول شامل ذکر داروها و توصیف آنها، و بخش دوم شامل طرز تهیه داروهای مذکور در بخش اول و اوزان و مقادیری است که داروسازی به کار می‌رفته است. نویسنده به رویش گیاهان دارویی و خواص آنها نسبت به مناطق مختلف جغرافیایی و فصول گوناگون توجه داشته است (حکیم مؤمن، ۱۳۱۰ق، ۹-۶). او همچنین فصلی را به پادزهرها و مداوای مسموم اختصاص داده است (همان، ۸۸۳).

۱۱.۲ مخزن الأدویه

مهم‌ترین دانشنامه داروشناسی در ایران، چند سالی پیش از ورود طب و داروشناسی نوین، کتاب *مخزن الادویه* از محمدحسین عقیلی خراسانی معاصر میرزا نصیر طبیب کریمخان زند است. نویسنده در تألیف این کتاب از آثار پزشکی پیشینیان خود تا عصر صفوی استفاده کرده است. دانشنامه *مخزن الادویه* براساس نام‌ها و به ترتیب حروف تهجی تدوین شده و شامل دو بخش ادویه مفرد و مرکب است. به عقیده عقیلی بیمار ممکن است به سبب کثرت استعمال دارو، حساسیت خود را نسبت به آن دارو از دست بدهد و بدن به مقاومت بپردازد. از این رو باید آن را با دارویی دیگر جایگزین کرد (عقیلی علوی شیرازی، ۱۸۴۴م، ۴). او تأثیر و خواص دارو را وابسته به کیفیت و هم به صورت نوعی آن می‌داند (همانجا)؛ و از آنجا که دارو یکی از موالید سه‌گانه (معدن، نبات و حیوان) یا ترکیبی از آنهاست، و به عقیده قدما، کواکب هفت‌گانه بر موالید مؤثرند، پس مزاج کواکب در خواص طبی آن موالید نیز دخالت دارند. عقیلی کوشیده این ارتباط و تأثیر را در جداولی که به همین منظور تهیه کرده است، نشان دهد (همان، ۵۹، ۶۶-۷۹). او معتقد است که داروهایی که در هر شهر و منطقه‌ای به کیفیت و خاصیت خود مشهورند، اگر در شهرها و مناطق دیگر پرورش یابند یا تهیه شوند، ممکن است خاصیت اصلی را کاملاً دارا نباشند. پس بهتر است هر دارو را در همانجا که به خاصیت و قوت مشهور است، تهیه کرد (همان، ۲۳). او حتی زمان قابل مصرف بودن داروها و طریقه نگاهداری آنها را به تفضیل بیان کرده است (همان، ۲۶-۲۷).

پی‌نوشت

- [۱]. عَقَّار، مفرد عقاقیر از اصل عبری - آرامی، و به معنای ریشه گیاه.
- [۲]. قراپادین یا اقراپادین، از قراپادین سریانی و اصلاً گردافیدیون یونانی به معنای رساله کوچک.
- [۳]. چنانکه داروسازی را صیدنه یا صیدله، از ماده چنندل [صندل] هندی می‌خواندند.
- [4]. Materia Medica
- [5]. Dioscorides
- [۶]. جلد‌های ۲۰-۲۱ جم
- [۷]. نک: فهرست کتاب
- [۸]. برگ ۴ الف
- [۹]. برگ‌های ۳ و ۴ الف
- [۱۰]. برگ ۴ ب
- [۱۱]. برگ ۱۲ الف
- [۱۲]. برگ ۱۳ الف
- [۱۳]. برگ ۸۳ ب
- [۱۴]. برگ ۳۱ ب

- [15]. Fr. Angelus
- [16]. Pharmacopea Persica

- [۱۷]. برگ‌های ۳۰۸ تا ۳۱۰ الف
- [۱۸]. برگ‌های ۳۲۰ تا ۳۲۵ ب
- [۱۹]. به ترتیب برگ‌های ۳۳۴ ب، ۳۳۵ الف، ۳۳۷ ب، ۳۳۸ ال و ب، ۳۴۰ الف، ۳۴۰ ب تا ۳۴۱ الف

کتاب‌نامه

- ابن‌ابی‌اصیبغه، احمد بن قاسم (۱۹۵۷م). *عیون‌الانباء فی طبقات الاطباء*. ج ۱. بیروت: دارالمکتبه الحیة.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۹۹۳م). *القانون فی الطب*. به کوشش ادوارد القش، ج ۲ و ج ۳. بیروت.
- ابن‌نذیم، محمد بن اسحاق (۱۳۵۰). *الفهرست*. به کوشش رضا تجدد. تهران.
- ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد (۱۹۷۳م). *صیانه*. متن عربی به کوشش حکیم محمد سعید؛ رانا احسان الهی. کراچی.
- ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد (۱۳۵۸). *صیانه*. ترجمه فارسی نیمه اول قرن هفتم هجری از ابوبکر بن علی بن عثمان کاشانی. به کوشش منوچهر ستوده؛ ایرج افشار. تهران: شرکت افست.
- بهاء‌الدوله، بهاء‌الدین میرقوام‌الدین. *خلاصه‌التجارب*. نسخه خطی شماره ۱۴۰۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- جرجانی، اسماعیل بن حسن (۱۳۵۵). *ذخیره‌خوارزمشاهی*. کوشش سعیدی سیرجانی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- جوینی (ابن کُتبی)، نصیرالدین یوسف بن اسماعیل. *ما لایسمع الطیب جهله*. نسخه خطی شماره ۱۹۹۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- حکیم‌مؤمن، محمد مؤمن بن محمد زمان (۱۳۱۰ق). *تحفه حکیم مومن*. چاپ سنگی. تهران.
- رازی، محمد بن زکریا (۱۳۷۸). *الحاوی*، ج ۲۱ و ۲۲. حیدرآباد دکن.

مروری بر دانشنامه‌های دارویی در ایران (سیدمحمد صادق سجادی) / ۱۴۵

زهیرالبابا، محمد (۱۹۷۹م). «مصادر الادوية المفردة او العقاقير فى الطب». در: *ابحاث المؤتمر السنوى الثانى للجمعية السورية لتاريخ العلوم*. حلب.

زهیرالبابا، محمد (۱۹۷۷م). «لاقرا باذینات او دساتیر الادویة العربیة»، در: *ابحاث الندوة العالمیة الاولى لتاریخ العلوم عند العرب*. ج ۱؛ حلب.

شهمردان، رشید (۱۳۴۵). «کارنامه حکیم الملک گیلانی در هند». *مجله مهر*. سال دوازدهم، ش ۱۰ (دی‌ماه). صدیقی، سلیم‌الزمان (۱۳۶۷). «شیمی». ترجمه هوشنگ اعلم. در: *تاریخ فلسفه در اسلام*، به کوشش میان محمد شریف، ج ۳. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

طبری، علی‌بن سهل (۱۹۲۸م). *فردوس الحکمه فى الطب*. به کوشش کمال‌الدین محمد زبیر الصدیقى. برلین. عقیلى علوى شیرازی، محمدحسین بن محمد هادی (۱۸۴۴م). *مخزن الادویة*. چاپ افست تهران از سوی چاپ کلکته. قفطی، علی بن یوسف (۱۹۰۲م). *تاریخ الحکما قفطی*. به کوشش یولیوس لیپرت. لایپزیگ.

قنواتی، جورج شحاته (۱۹۵۸م). *تاریخ الصیالته و العقاقیر فى العهد القدیم و العصر الوسیط*. قاهره. میر، محمدتقی (۱۳۴۸). *پزشکان نامی پارس*. شیراز: دانشگاه شیراز.

نصر، سیدحسین (۱۳۶۷)، «تاریخ طبیعی». ترجمه حسن مرندی. در: *تاریخ فلسفه در اسلام*. به کوشش میان محمد شریف، ج ۳. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

نفیسی، سعید (۱۳۲۹-۳۱). «تاریخ بیمارستان‌های ایران». *مجله شیر و خورشید سرخ ایران*. ش ۹، ۱۰، سال ۳. نیرواسطی، حکیم (۱۳۵۳). *تاریخ روابط پزشکی ایران و پاکستان*. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

هروی، موفق بن علی (۱۳۴۶). *الابنیه عن حقایق الأدویة، یا روضة الانس و منفعة النفس*. به تصحیح احمد بهمنیار؛ به کوشش حسین محبوبی اردکانی. تهران: دانشگاه تهران.

Elgood, Cyril (1970). *Safavid Medical Practice*. London: Luzac.

Meyerhaff, Max (1926). "New ligh on the early Peried of Arabic Medical and ophthalmological science". In: *Bulletin of the ophthalmological society of Egypt*, No.19, xvii, xvi.